



Analyzing the Tanzili Approach in Solving Social Problems in the Qur'an, Focusing on Women's Issues

(Received: 2023/04/29 / Accepted: 2023/07/19)

Abdul Karim Behjatpour¹, Mohammad Taghi Ahmadi Parto²

ABSTRACT

A variety of approaches have been developed to solve social problems in the humanities, including holistic and atomistic approaches, changing structures that reproduce the problem, and social policy. The Qur'an also dealt at length with the solution to human problems in different dimensions and fields. One of the most important issues of social societies is the status of women in society. The West, with an atomistic approach and without paying attention to the structures that reproduce the problem, while accepting feminism, has chosen to recognize equality in abilities and rights, financial independence and participation in the society's economy, and granting political and social freedoms to women in social policies as solutions of problems related to the status of women in society. This research, by analyzing the method of extraction of human sciences, has investigated the approach of the Qur'an in solving problems using the second part of Ijtihadi method and Tanzili (descending) approach in selecting the verses based on the order of their revelation. Given the structures that reproduce the problem, the Qur'an has attempted to change both subjective and objective structures of society.

By examining the approach of the Qur'an, we have come to the conclusion that the approach of the Qur'an is not entirely based on a holistic approach nor an atomistic approach. Rather, in resolving problems while correcting many social harms, the Qur'an has removed the gender issue from psychological significance, corrected the structures that reproduce the problem, and, in a logical process in the context of gradual descent, has started extensively to make policies in the three cognitive, attitudinal and behavioral dimensions. These issues are presented in seven steps.

KEYWORDS: Social Problem Solution, Social Problem Methodology, Women's Problems, Tanzili Approach.

1- Associate Professor, Qur'anic Studies Department, Wisdom and Religion Research Institute, Islamic Culture and Thought Research Institute, Qom, Iran Abp114@yahoo.com

2- Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (corresponding author) partoahmadi@mailfa.cim



تحلیل رویکرد تنزیلی در حل مسئله اجتماعی در قرآن با محوریت مسئله زن

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸)

عبدالکریم بهجت پور^۱، محمد تقی احمدی پرتو^۲

چکیده

روش‌های متنوعی برای حل مسئله اجتماعی در علوم انسانی تولید شده است از جمله رویکرد کل نگرانه و جزء نگرانه، تغییر ساختارهای بازتولید کننده مسئله و سیاست گذاری اجتماعی. قرآن نیز به وفور به حل مسائل انسان در ابعاد مختلف و حوزه‌های متنوع پرداخته است. یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع اجتماعی، جایگاه زنان در جامعه بوده است. غرب با رویکردی جزء نگرانه و بدون توجه به ساختارهای بازتولید کننده مشکل، ضمن پذیرش فمینیسم، راه حل به رسمیت شناختن تساوی در استعدادها و حقوق، استقلال مالی و شرکت در اقتصاد جامعه و اعطای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به زنان را در سیاست گذاری‌های اجتماعی برای حل مسائل مرتبط با جایگاه زنان در جامعه پیش گرفته است. این تحقیق با تحلیل یکی از گونه‌ها در روش استخراج علوم انسانی به بررسی روش قرآن در حل مسئله با استفاده از روش اجتهاد قسم دوم و رویکرد تنزیلی در انتخاب آیات پرداخته است. قرآن ضمن توجه به ساختارهای بازتولید کننده مشکل، برای تغییر ساختارهای ذهنی و عینی جامعه تلاش کرده است. با بررسی روش قرآن به این نتیجه رسیدیم که رویکرد قرآن نه کاملاً مبتنی بر رویکرد کل نگرانه بوده و نه رویکردی جزئی نگرانه. بلکه قرآن در حل مسائل در ضمن اصلاح بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، مسئله جنسیت را از برجستگی روانی انداخت، ساختارهای بازتولید کننده مسئله را اصلاح و در فرایندی منطقی در بستر نزول تدریجی و تنزیلی، دست به سیاست گذاری گسترده در سه حوزه بینش، گرایش و رفتار زده است. این اقدامات در هفت گام مطرح شده است.

واژگان کلیدی: حل مسئله اجتماعی، روش‌شناسی مسئله اجتماعی، مسئله زن، رویکرد تنزیلی.

۱- دانشیار، گروه قرآن پژوهی، پژوهشکده حکمت و دین پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران Abp114@yahoo.com
۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) partoahmadi@mailfa.cim



۱. مقدمه

هر مکتبی در کنار تبیین آموزه‌های خود و ترسیم کلی و جزئی برنامه‌های خود ضمن پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات مربوطه، باید نسخه و روشی منحصر به فرد و پویا برای حل مسائل و مشکلات و بحران‌های فرد و جامعه ارائه دهد. یکی از کارکردهای اصلی و مهم علوم انسانی حل چالش‌ها و معضلات عرصه‌های متنوع زندگی بشر است؛ از این روست که تاکنون ده‌ها و صدها نظریه و روش توسط دانشمندان و مصلحان برای حل مسائل و معضلات بشر در مکاتب مختلف فکری و دینی مطرح شده و می‌شود و اساساً نظریه پردازی و تولید علم برای پاسخ دادن به پرسش‌ها و مسائل انسان است.

مهارت حل مسئله به معنای توانایی شناسایی و تجزیه و تحلیل و پیمودن راه برون‌رفت از مشکلات است. به عبارتی دیگر حل مسئله، یک فرآیند شناختی - رفتاری است که فرد یا حاکمیت به کمک آن‌ها سعی می‌کند راه‌حل‌های مؤثر یا مفیدی برای مسائل و پیچیدگی‌های زندگی انسان در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی پیدا کند.

قرآن به‌عنوان مصدر معرفت دینی، متنی ناظر به واقع است که در یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین شرایط سرزمینی، فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و اقتصادی موجود در زندگی بشر در شبه جزیره عربستان یعنی عصر جاهلیت نازل شده و به حل مسائل پرداخته است. کشف روش حکیمانه قرآن برای حل مسائل که در طول بیست و سه سال نزول قرآن پیاده شد و صورت‌بندی آن با توجه به شرایط جغرافیایی و اقتضات اجتماعی، فرهنگی عصر نزول، کمک فراوانی به علوم انسانی کنونی برای حل مسائل خود خواهد نمود. این روش به کمک عقل و تجربه‌های بشری، تدبیر و تطبیق حکیمانه و علمی می‌تواند در عصر و مصرهای بعد از جمله وضعیت فعلی جهان و ایران بازسازی و به‌روز شود.

در اهمیت استفاده از قرآن همین بس که این کتاب درصدد حل مسائل دینی، فرهنگی و اجتماعی بشر است و انتخاب شبه جزیره عربستان و حل مسائل آن مردم، کاملاً هوشمندانه بوده است؛ قوم لجوج برای این هدف انتخاب شده‌اند، زیرا خدای حکیم می‌خواست قدرت تغییر و ظرفیت این کتاب را بر همه جهانیان و برای همیشه نشان دهد. از این رو در جایی نازل شد که در بدترین وضعیت فرهنگی و نامطلوب‌ترین زندگی طبیعی به سر می‌برد اما این مردم را بعد از مدت کوتاهی سید تمدن‌های شناخته‌شده آن دوره تاریخی یعنی ایران، مصر، روم و یمن کرد و آن‌ها را زیر چتر تمدن اسلام آورد.

با گذشت چند قرن از تأسیس و پیشرفت‌های خیره‌کننده دنیای مدرن در صنعت و علوم طبیعی و انسانی، اما امروزه بشر دچار مشکلاتی شده است که پژوهشگران و دانشمندان عرصه‌های علوم انسانی از حل آن عاجزند. مشکلاتی از قبیل بحران هویت، عدم وجود سیستم عادلانه تولید و توزیع ثروت، فروپاشی نظام خانواده، شیوع بیماری‌های روانی فردی و اجتماعی، نابرابری‌ها و ... همه و همه بیانگر ناکارآمدی علوم انسانی مدرن در حل مسائل و بحران تمدن معاصر است. به دنبال ناتوانی حکومت کلیسایی در حل مسائل اجتماعی و فرهنگی، جامعه غرب از حکومت دینی و بخش زیادی از آموزه‌های کتب مقدس برگشت. پس از تشکیل جوامع صنعتی و بروز عوارض اجتماعی و فرهنگی، دانش‌های انسانی پا به عرصه گذاشت و تئوری‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی مطرح شد. این تئوری‌ها بدون هرگونه فرایند معقول و محتاطانه وارد اجتماع شد و بر ذهنیت مردم و رفتار ایشان اثر گذاشت. از این رو دانشمندان علوم انسانی متکی بر نظام متعارف غربی و شرقی عملاً منابع نقلی معتبر و غیرقابل خدشه برای تئوری پردازی خود ندارند؛ درحالی که متون اسلام به‌خصوص قرآن به جهت تفاوت‌های معناداری که با متون عهد قدیم و جدید دارد و ظرفیتی که در حل مسائل از خود نشان داده (البته بخش عمده‌ای نیز هنوز فاقد تجربه حکومت شایسته بوده است؛ لذا نمی‌توان ناتوانی این دین را محک زد) می‌تواند راهی دیگر برای حل مسائل مختلف مردم متکی به آموزه‌های قرآن را پیش روی مردم بگذارد.

از این رو روش کشف و استخراج دیدگاه قرآن در حل مسئله اجتماعی_ به‌وسیله تبیین روشمند آیات در قالب تفسیر موضوعی با کمک گرفتن از دستاوردها و ادبیات رایج علوم انسانی_ می‌تواند به تبیین رابطه قرآن و علوم انسانی کمک نماید. از این رهگذر نیازمندی علوم انسانی به حل مسائل و چالش‌ها و بحران‌های بشر و جوامع انسانی از طریق روش‌های تجربه‌شده منقول از منبع وحیانی نیز تأمین خواهد شد؛ بنابراین دستیابی به الگوها و مدل‌هایی برای حل مسائل و چالش‌های زندگی بشر در ساحت‌های مختلف فردی و اجتماعی بر اساس روش و فرایندهای حل مسئله قرآنی با تطبیق بر یک مسئله عینی هدف این تحقیق است. ما در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال خواهیم بود که روش قرآن در مواجهه و حل مسائل گوناگون بشری چه بوده است. سپس این روش در یک نمونه_ مسئله ارتقای جایگاه زن در بستری منطقی_ به‌صورت تطبیقی و مقایسه با روش حل مسئله زنان در غرب تحلیل می‌شود.

۲. پیشینه

بشر همواره برای حل مسائل خود از زمان‌های گذشته به صورت ناخواسته از فرآیند حل مسئله استفاده نموده است. روش حل مسئله از موضوعات صورت‌بندی شده جدید علوم انسانی در غرب است که ادبیات علمی آن دارای پیشینه گسترده‌ای نیست. البته چند تن از نویسندگان و محققان غربی در این زمینه دست به نگارش زده‌اند از جمله مارتین واینبرگ در کتاب «راه حل مسائل اجتماعی» که توسط صادق صالحی ترجمه شده، معتقد است که هر دیدگاه جامعه‌شناختی رهیافت متفاوتی درباره حل مسائل اجتماعی دارد. وی در کتابی دیگر که به همراه ارل رایینگتن نوشته به «رویکردهای هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی» پرداخته است. دانیلین لوزیک در کتاب «نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی» به تحلیل دیدگاه‌ها درباره تولید مسئله اجتماعی پرداخته است.

این موضوع در پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی و پژوهش‌های قرآنی مورد کنکاش زیادی قرار نگرفته است. البته چند تحقیق محدود در این باره انجام گرفته است که برخی از آنان به صراحت و برخی در ضمن مباحث به این موضوع پرداخته‌اند. از جمله:

۱. یوسف اباذری یکی از اولین محققین ایرانی است که به بررسی حل مسئله در ادبیات علوم انسانی و روش‌های حل مسئله پرداخته است.

۲. مقاله «حل مسئله در گستره قرآن پژوهی» محمدرضا حاتمی که برای تبیین روش تفسیر موضوعی با رویکرد حل مسئله به مراحل رشد اخلاق پرداخته و این مسئله را در سه سطح و ۱۱ گام عملیاتی ترسیم نموده است. ایشان مراحل حل مسئله را همان تفکیک و برجسته‌سازی مراحل تفسیر و کاربردی نمودن این مراحل دانسته است. این مراحل شامل مقدمات پژوهش، مراجعه به قرآن و نظریه‌پردازی است.

۳. مقاله «اصول و مبانی روش‌شناسی اجتماعی در قرآن» نوشته خانم فاطمه امینی پور که پس از بررسی روش‌شناسی علوم اجتماعی غربی به روش رئالیسم توحیدی به عنوان روش قرآنی در بررسی علوم اجتماعی پرداخته است.

۴. کتاب «روش حل مسئله اجتماعی» که به تازگی منتشر شده و با تلاش دکتر جعفر قوام دوست و عده‌ای از محققان علوم انسانی، ضمن مقالاتی به بررسی روش‌های متنوعی از حل مسئله اجتماعی در ابعاد گوناگون پرداخته‌اند.

رویکرد تنزیلی نیز از سبک‌های نو در تفسیر است که پیشینه زیادی ندارد. با وجود تفاسیری

همچون «بیان المعانی» آل غازی، «الحديث» دروزه و چند اثر دیگر هنوز این رویکرد در ابتدای مراحل شکل گیری خود است. البته تفسیر «همگام با وحی» بهجت پور از مفسران معاصر ضمن بیان اصول و قواعد تفسیر تنزیلی، رویکرد اصلی خود را بر پیگیری این سبک قرار داده است. با وجود این تحقیقات ارزشمند، اما نوشته‌ای با موضوع مورد بررسی در این پژوهش تا به حال انجام نگرفته است. در پژوهش حاضر، روش حل مسئله در قرآن در مسائل اجتماعی با توجه به رویکرد تنزیلی به آیات، در یک نمونه عینی - مسئله زن - مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا معلوم شود که قرآن به عنوان متنی ناظر به واقع، چگونه و با چه روش‌هایی به حل مسائل و چالش‌های جامعه پرداخته است. روش‌شناسی مورد نظر ما در بررسی روش قرآن، مبتنی بر روش توصیف و تبیین و منابع کتابخانه‌ای با بررسی کتب تفسیری و تاریخی با رویکرد تفسیر تنزیلی موضوعی است.

۳. روش حل مسئله غربی

عمده پارادایم‌های رایج در اندیشه غرب مبتنی بر درکی مادی از هستی و واقعیت است. این پارادایم مادی توانسته در چند سده اخیر در قالب تئوری‌های مختلف علمی بروز و ظهور پیدا کند و روندها و فرایندهایی در ورود به واقعیت تولید کند که باعث شود به عنوان شکل غالب و مشروع معرفت معرفی گردد. علم سکولار با استفاده از خلأ عدم نظریه‌پردازی مسلمانان کوشید وجوه مربوط به واقعیت اجتماعی را که تفکر اسلام بدان پاسخی نداده بود، تبیین و تحلیل کند (ایمان، ۱۳۹۲: ۴۳۵). فلاسفه و جامعه‌شناسان برای حل مسئله‌های انسانی و اجتماعی به نظریه‌پردازی از میان پیچ‌وخم‌های فلسفی و نگاه‌های جامعه‌شناسانه پرداخته‌اند. برخی نیز مانند هابرماس و پوپر به روش‌های نقادی و استدلالی برای حل مسئله متمایل بودند. پوپر زندگی را تماماً حل مسئله می‌دانست و کتابی نیز در این زمینه نگاشت. وی در نظریه خود با مطرح کردن سه جهان (و طرح این موضوع که مهم‌ترین اتفاقی که در جهان ۳ می‌افتد ارائه فرضیه‌ها برای مسائل مختلف بشر و ارائه بحث‌ها و انتقادهای جهت حل آنهاست) مدل سه مرحله‌ای برای حل مسئله معرفی کرده که مبتنی بر سه مؤلفه مسئله، راه‌حل‌های ارائه‌شده و رد و ابطال است (اباذری، ۱۳۸۲: ۳۱۳-۳۱۱).

به صورت کلی از یک منظر برای حل مسئله اجتماعی دو رویکرد وجود دارد، رویکرد جزء نگرانه و رویکرد کل نگرانه. راه‌حل‌های کل نگرانه معتقد به دگرگونی و تحول کلی مسائل جامعه برای حل مسئله است. این دیدگاه نشئت گرفته از مارکسیسم کلاسیک است که فلسفه

هایدیگر نمایان گر آن است. لنین معتقد بود که برای رفع استثمار و بی عدالتی باید ماشین دولت به کلی خردشده و بنیانی جدید بنا شود که بر پایه اصول دیگری ساخته شده است. در چنین صورتی می توان به حل مسائل اجتماعی نائل آمد. در سوی دیگر رویکرد جزء نگرانه معتقد به راه حل هایی هستند که با چند تغییر، به وضعیت مطلوب رسید. گرامشی در این میان با وجود اعتقاد به راه حل های کل نگرانه، رسیدن به آن را درگرو ورود به زندگی روزمره مردم و حل مسائل جزئی مردم می دانست (اباذری، ۱۳۸۲: ۳۰۵-۳۰۴).

راه حل نخست به دنبال یک باره وضع موجود و دگرگونی اساسی جامعه است و طرفداران آن حل مسائل اجتماعی را منوط به تغییر سیستم و سیاست های کلان می دانند، اما طرفداران راه حل دوم معتقدند که با تغییر سیستم مسئله اجتماعی حل نمی شود بلکه مسائل همچنان پابرجا می مانند و فقط از یک دوره به دوره دیگری انتقال می یابند از این رو راه حل دوم به دنبال اصلاح جزء به جزء وضع موجود برای نیل به وضع مطلوب است. روزنبرگ راه حل سوم را در این میان پیشنهاد می دهد. وی ضمن بیان تمثیلی از یک مسئله در دنیای واقعی و تعمیم آن مسائل اجتماعی، این گونه بیان می کند که برخی از ساختارها، تولیدگر مسئله اند (روزنبرگ، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۳). از این بیان این گونه می توان برداشت کرد که طبق راه حل سوم، در عین کمک به حل مسائل اجتماعی باید سراغ ساختارهای بازتولید کننده این مسائل نیز رفت و برای تغییر ساختارهای ذهنی و عینی جامعه تلاش کرد. این نوعی سرمایه گذاری اساسی در راه حل مسائل اجتماعی است (قوام دوست، ۱۴۰۰: ۱۹).

سیاست گذاری اجتماعی نیز یکی از روش های حل مسئله در بسیاری از مسائل اجتماعی است که فعل حل کردن را از سطح نظری و ارائه گزینه و راهکار به سطح عملی و اثرگذاری واقعی می برد. این به معنی انتقال بحث از دانش تصمیم گیری به دانش سیاست گذاری است. حل مسئله در وضعیت اول صرفاً به معنی ارائه یک یا چند راهکار است، در حالی که در وضعیت دوم (رویکرد سیاست گذاری اجتماعی) حل مسئله از بررسی مسئله آغاز و به اقدام علیه موقعیت ناخوشایند مرتبط با مسئله منجر می شود؛ بنابراین اولی معطوف به مجموعه ای از فنون برای یافتن راهکار است و دومی با مجموعه ای از فرایندهای پیچیده روبه رو می شود (همان، ۱۴۰۰: ۲۳۵-۲۳۱).

۴. روش حل مسئله دینی

روش در لغت به معنی قاعده، قانون، شیوه، اسلوب، سبک آمده است (دهخدا، ۱۳۹۰، ۱:

۱۵۱۸). این واژه که در علم تفسیر گاه با منهج، گاه با اتجاه و گاه با طریقه، سبک و... استعمال شده، در اصطلاح تفسیری به معانی مختلفی آمده است از جمله استفاده از منابع خاص به منظور کشف مراد جدی خدا در آیات (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۴؛ شاکر، ۱۳۸۲: ۴۶) شیوه تفسیری خاص مفسر مبتنی بر تخصص، افکار، عقاید و مکتب تفسیری (بابایی، ۱۳۸۵: ۱: ۱۸) کیفیت و طریق و شیوه استخراج و کشف معانی و مقاصد قرآن (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

متون دینی اسلام ظرفیت وسیعی برای فراهم ساختن مفاهیم مناسب برای علوم اجتماعی دارند؛ زیرا اسلام حاوی دست کم دو نظام هنجاری فراگیر یعنی نظام اخلاقی و نظام حقوقی است که تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی را دربر می‌گیرند. از این رو می‌توان انتظار داشت که از درون توصیه‌های اخلاقی و احکام حقوقی اسلام مجموعه گسترده‌ای از مفاهیم مناسب برای توضیح پدیده‌ها یا تفسیر کنش‌های جمعی در تمام حوزه‌های اجتماعی به دست آید. به علاوه از مفاهیم مندرج در گزاره‌های توصیفی متون دینی نیز می‌توان در ساختن مفاهیم علوم اجتماعی بهره جست (بستان ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۰۹) اسلام برخلاف تفکر غرب که تنهاترین و بهترین روش فهم واقعیات اجتماعی_ و به تبع آن روش‌های حل مسائل اجتماعی را- روش تجربی می‌داند، خود را در آن منحصر نکرده و روش‌های گوناگونی در این زمینه پیشنهاد می‌دهد (خسرو پناه، ۱۳۹۳: ۲۴۷). واقعیت غیرقابل انکار این است که قرآن به وسیله مجری خود که پیامبر اکرم ص است به حل مسائل بشری در جامعه خود پرداخته و برای مسائل بشر در همه زمان‌ها پیشنهاد ارائه نموده است. این ادعا در آیات قرآن به وضوح بیان شده است: «الرَّكْتُابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم: ۱) منظور از ناس در آیه همه مردم_ و نه فقط مخاطبان معاصر پیامبر خاتم (ص)_ است که ایشان به وسیله قرآن مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور و هدایت خارج خواهد نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷: ۱۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۷: ۱۷۲) قسمتی از این مدیریت هدایت، در حل مسائل گوناگون مردم در ابعاد مختلف زندگی بوده است.

ادعای ما در این تحقیق وجود روشی دینی و قرآنی در حل مسائل اجتماعی انسان است. در روش‌شناسی حل مسئله قرآنی از روش تفسیر موضوعی شهید صدر که در تعبیر برخی از محققان معاصر، روش اجتهاد قسم دوم نام گذاری شده است، استفاده می‌کنیم. در این روش، پرسش‌های مطرح از سوی مکاتب و جوامع به متون دینی عرضه و متون دینی مورد استنتاج قرار می‌گیرد. متون دینی مدلول‌های مطابقی یا التزامی آشکاری دارند که گاهی با عرضه پرسش‌های جدید به

متون دینی می‌توان مدلول‌های التزامی جدیدی از آن‌ها استخراج کرد (خسرو پناه، ۱۳۹۴: ۲۹۵). بعضی از محققان رویکرد حل مسئله در گستره قرآن پژوهی را این‌گونه تعریف نموده‌اند: کشف و استخراج دیدگاه قرآن درباره یک مسئله در حیطه رسالت قرآن با تبیین روشمند آیات، با کمک گرفتن از دستاوردهای علوم (حاتمی، ۱۳۹۹: ۱۲۶) طبق این تعریف، رویکرد حل مسئله از همان فنون و شیوه‌های جاری در تفسیر موضوعی بهره برده و از این‌رو شباهت زیادی به تفسیر موضوعی دارد. در این رویکرد پژوهشگر برای یافتن راهنمای عمل و حل مسائل و مشکلات و سؤالات مهم زندگی و دغدغه‌های ذهنی با نگاهی مسئله محورانه به دنبال حل آن‌ها توسط آموزه‌های قرآن است.

نقطه افتراق این رویکرد با روش موضوعی، این نکته است که در روش موضوعی که با هدف تبیین دیدگاه قرآن درباره موضوعی خاص با استفاده از مجموع آیات مرتبط (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۹۴: ۴۷۹) صورت می‌گیرد، توجه روی مسئله و موضوعی رفته که در آیات قرآن به صراحت ذکر شده است؛ اما در رویکرد روش حل مسئله، ابتدا مسئله‌ای که مورد ابتلای ذهنی و نیاز فرد و جامعه است در بیرون مورد بررسی قرار گرفته و سپس با مراجعه به قرآن - فارغ از اینکه از آن موضوع و مسئله در آیات به صراحت بحث شده یا نشده باشد - درصدد کشف نظر قرآن با استفاده از دلالت‌های تضمنی و التزامی آیات در باب پاسخ به آن نیاز و دغدغه برمی‌آیم. در این صورت، توصیفاتی قرآنی که امکان دست یافتن به نظریه در آن‌ها وجود دارد از قرآن استنباط می‌شود.

از سویی دیگر با توجه به اینکه منبع مورد مراجعه در این روش متنی مقدس به نام قرآن است، در انتخاب آیات و چینش آن‌ها از رویکرد تنزیلی بهره می‌گیریم. تفسیر تنزیلی به گونه‌ای از تفسیر گفته می‌شود که مفسر در آن به تفسیر سوره‌ها به ترتیب نزول و فرود آمدن آن‌ها به صورت تدریجی بر پیامبر می‌پردازد. بررسی و تفسیر موضوعات مرتب شده بر اساس ترتیب نزول در قرآن نیز تفسیر تنزیلی موضوعی نام دارد (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۷). تفسیر تنزیلی به قرآن به عنوان یک کل نازل شده می‌نگرد که ارتباط نزولی آیات در ۲۳ سال آن را به هم گره زده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ۳: ۲۰۱). این سبک مبتنی بر این اصل است که برای رهایی از هر کدام از مشکلات اجتماعی جامعه عصر پیامبر، آیات نازل شده از طرف خداوند راهگشا بوده است و نازل شدن آیات در کنار حوادث و ورود به چالش با اصحاب عقاید، راهبری اجتماعی و تدریجی مسلمانان تا تشکیل حکومت اسلامی و آسیب‌شناسی مسائل حکومت دینی نشان از انگیزه‌ای تربیتی دارد که در نزول قرآن مورد توجه خدای حکیم بوده است.

بنابراین در روش تفسیر تنزیلی قرآن به سخن درمی‌آید و راه حل مشکلات را می‌گوید. فایده تفسیر تنزیلی آشنا شدن با روش مهندسی فرهنگی جامعه توسط حق تبارک و تعالی است. پیامبران اصولاً برانگیخته شدند تا جامعه را از انحطاط به تعالی برسانند. بر این اساس نخستین هدف پیامبران ساختن جامعه و اجتماع حاضر است و در دنباله آن ساختن جایگاهی برتر در جهان باقی. این مدل از تفسیر فواید روش شناختی مهمی هم دارد که از آن جمله است: کشف روش‌های تحول دینی، کشف مراحل فرهنگ شدن و درونی شدن مفاهیم دینی، فهم رابطه چالش‌ها با پیام‌های دین و آشنایی با راهبردهای دعوت دینی متناسب با گام‌های تحول (بهجت پور، ۱۳۹۰، ۱: ۶۶-۴۹) لازم به ذکر است، مبنای ما در ترتیب نزول سوره‌ها، جدول به‌دست آمده استاد بهجت پور است که حاصل سال‌ها تلاش ایشان و مطالعه سندی و محتوایی، ده‌ها روایت و کتاب‌های تاریخی در این زمینه و بررسی حدود ۱۷ جدول منقول از اهل بیت علیهم‌السلام، صحابه و دیگران است (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۰۱-۳۴۸).

۵. بررسی تطبیقی روش دینی و غربی در حل مسئله زن

یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع اجتماعی، نقش و جایگاه زنان در جامعه بوده است. این مسئله با تمام فراز و نشیب‌های خود، تقریباً در همه جوامع و در طول تمام دوران وجود داشته است. در یونان باستان که یکی از درخشان‌ترین و گسترده‌ترین تمدن‌های آن روزگار محسوب می‌شد، وضعیت زنان هیچ تناسبی با تمدن پیشرفته‌اش نداشت به گونه‌ای که در فرهنگ آنان طلاق دادن زنان کار بسیار راحتی بوده و مرد بدون هیچ دلیلی می‌توانست زن خود را طلاق دهد. عروس از خانواده خود جدا و به‌عنوان خدمتکار به خانه دیگری می‌رود و خدایان دیگری را عبادت می‌کند. زنان یونانی پس از مرگ شوهر از او ارثی نمی‌برند. نکته قابل توجه این است که تمدن آتن بدون حضور زنان شکل گرفته است (دورانت، ۱۳۹۲: ۲۶۴-۲۶۳). اکثر اقوام گذشته عمل عبادی زن را مقبول نزد خدا نمی‌دانستند، در یونان باستان زن را گناهی از اعمال شیطان می‌دانستند و برای او شخصیت مستقل انسانی قائل نبودند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۰).

حتی فلاسفه غرب به زنان نگاهی مثبت نداشتند. از افلاطون و ارسطو گرفته تا فیلسوفان معاصر مانند هابز، لاک و روسو، زنان را ضعیف‌تر و بی‌عقل‌تر از آن می‌دانستند که در سیاست دخالت کنند (چراغی، ۱۳۹۳: ۴۰). زن در فرهنگ جاهلی اعراب نیز جایگاهی شایسته نداشته است به گونه‌ای که آنان را پس از مرگ شوهر، مجبور به ازدواج ظالمانه و اجباری با فرزندان

او از دیگر همسرانش می‌کردند (القمی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۳۵) همچنین تحریم بعضی امور حلال بر زنان بجهت تبعیض و تحقیر آنان و اجبار به زنا و کنیزان و کسب درآمد برای صاحبان از این راه، ننگ و عار شمردن دختران به حدی که وقتی به پدری خبر می‌دادند که همسرت دختر زائیده است از شدت خشم و غضب سر به بیابان می‌گذاشت و گاهی دختران را همان ابتدا زنده به گور می‌کردند (حاجی پور، ۱۳۹۷: ۱۱۹-۱۰۴).

جایگاه زن در دیگر اقوام نیز به همین وضع بوده است. به‌طور نمونه در دوره امپراتوری ساسانی، زن هیچ‌گونه استقلال و شخصیت حقوقی نداشت و حتی مالی که با کار و تلاش خود به دست می‌آورد به رئیس خانواده تعلق داشت و زن از اموال خود بهره‌ای نمی‌برد. در روم به شکایت زنان گوش داده نمی‌شد و هیچ معامله‌ای از ایشان معتبر و نافذ نبود. در میان کلدانیان زن در اراده و عمل استقلال نداشت و اگر زن از شوهرش اطاعت نمی‌کرد مرد می‌توانست او را از خانه بیرون کرده یا زنی دیگر بگیرد و پس از آن حق داشت با او معامله یک برده را بکند (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۵).

این‌ها فقط گوشه‌ای از مطالب مربوط به جایگاه و نقش زن بود. سؤال اساسی در اینجا این است که روش حل این مسئله قدیمی بشر در دو مکتب اسلام و دیدگاه مشهور غرب چگونه بوده است؟ ابتدا روش حل این مسئله در دیدگاه مشهور غربی را بررسی می‌کنیم.

غربی‌ها با تکیه بر پارادایم خاص خود و مبانی انسان‌شناسی و جهان‌بینی خود، که عمدتاً متکی بر اومانیزم، سکولاریسم، فردگرایی، نسبی‌گرایی اخلاقی، آزادی و برابری است. برای مبارزه با ظلم تاریخی به زن به‌طور عمده سراغ فمینیسم رفته و سعی در حل این مسئله پیچیده و بسیار قدیمی به این روش نمودند. تاریخ فعالیت و مبارزه برای استیفای حق زن در غرب به حدود ۴ قرن قبل برمی‌گردد؛ اما فمینیسم به‌مثابه نهضت، کمتر از دو قرن است که در صحنه اجتماع ظاهر شده است (چراغی، ۱۳۹۳: ۶۴ و ۳۹) البته ریشه‌های این جنبش را می‌توان در آراء و اندیشه‌های افلاطون که دیدگاه‌های او تأثیر بسیاری بر نظرات غربی‌ها در مورد زن گذاشته مشاهده کرد. وی در کتاب پنجم جمهوری، معتقد است زنان و مردان دارای استعدادها و مشابهی هستند و زنان می‌توانند در عین ضعفشان همان وظایفی که مردان بر عهده دارند را به عهده گرفته و از همان حقوق بهره‌مند شوند (افلاطون، ۱۳۵۳: ۲۴۰-۲۳۸).

جریان فمینیسم دارای فراز و نشیب و گرایش‌ها و نحله‌های گوناگونی شده است. از جمله فمینیسم آزادی‌خواه، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم سوسیالیستی، فمینیسم افراط‌گرا، فمینیسم انگزستانسیالیست (وجود نگر) فمینیسم پسامدرن و... (کلاین، ۱۳۸۷: ۳۱-۲۳) فمینیست‌ها حتی

از ابزار غیراخلاقی و انسانی هم جنس گرایی نیز برای مبارزه و احقاق حق خود استفاده کردند. جمله «هم جنس گرایی زنان، نقشه آزادی زنان است»، بیانی بود که در سال ۱۹۷۰ در دومین کنگره برای اتحاد زنان هم جنس باز رادیکال مطرح شد. در سال ۱۹۷۲ فمینیست‌های هم جنس باز اعلام کردند که «هم جنس گرایی زنان یک برتری جنسی نیست، بلکه بیشتر یک انتخاب سیاسی است که هر زنی باید داشته باشد، اگر می‌خواهد برای زنان شناخته شده باشد و از این راه به حاکمیت مردان پایان دهد» در آن سوی اما در دنیای کاملاً زنانه، عده زیادی از زنان هستند که می‌خواهند مانند یک مرد باشند (لوی، ۱۳۸۸: ۱۰۹) این‌ها بخشی از تلاش‌های کاملاً متعارض و بی‌سرانجام و سردرگم زنان برای حل مسئله تاریخی ظلم به جامعه زنان در غرب بوده است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که غرب برای حل مسئله ظلم تاریخی به شخصیت و حقوق زن، با وجود پیچیدگی‌های فراوان این موضوع مهم، با رویکردی جزء نگرانه و بدون توجه به ساختارهای بازتولید کننده این مشکل، راه حل به رسمیت شناختن تساوی در استعدادها و حقوق، استقلال مالی و شرکت آنان در اقتصاد جامعه و اعطای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به زنان را در سیاست گذاری‌های اجتماعی پیش گرفت. فمینیست‌ها برای تحقق دیدگاه خود در مورد آزادی زنان حتی از نیاز جنسی و غریزی تئوری ساختند و زنان را به هم جنس گرایی ترغیب کردند. فمینیسم به جای تنظیم مناسب روابط زن و مرد روابط را به نزاع دائمی میان این دو کشاند و تفاهم و تعاون را تبدیل به نزاع اجتماعی کرد. امروز با فروپاشی نظام خانواده در غرب، درصد بسیار بالای کودکان نامشروع و فاقد درک از پدر واقعی در کشورهای غربی و... کاشف از تبعات نگاه نادرست به زن و خانواده در غرب و تشدید آن از سوی فمینیست‌هاست.

در این میان بخشی از متفکران و دانشمندان غربی منتقد این روش حل مسئله بوده‌اند. زنان فمینیسم در غرب با این اندیشه که حمایت زن از مرد و وابستگی‌های ساده لوحانه او نسبت به مرد باعث ایفای نقش منفعلانه زن در جامعه و خانواده شده است برای رسیدن به رشد و پیشرفت خواستار شکستن این طلسم شدند. جالب این است که نام این فروپاشی خانواده را احیای دوباره خانواده با یک دموکراسی از نو و کنترل بیشتر بر سرنوشت خود نام نهادند (رین، ۱۳۸۷: ۱۰۸ و ۵۶). ویل دورانت شروع استقلال مالی زنان در غرب _ که با قانون ۱۸۸۲ م انگلیس شروع شد _ را اقتضای انقلاب صنعتی و علت آن را برنامه‌ریزی سرمایه‌داران و کارخانه‌داران برای دستیابی به نیروی ارزان کار، سود بیشتر و گسیل زنان به کارخانه‌ها می‌داند. البته پیامد این استقلال مالی نیز رها شدن زنان از بند مسئولیت‌های خانه و گرفتاری و جان‌کندن در مغازه و کارخانه و خالی

شدن خانه‌ها از زندگی شده است (دورانت، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

قرآن برای حل این مسئله مهم و اساسی ضمن توجه به پیچیدگی مسئله به ساختارهای بازتولید کننده این مسائل نیز توجه نمود و برای تغییر ساختارهای ذهنی و عینی جامعه تلاش کرد. قرآن در ابتدا به تخریب باورهای جاهلانه و مشرکانه دست زد و ارکان اندیشه اسلامی را پایه‌گذاری کرد. با بررسی روش قرآن به این نتیجه می‌رسیم که رویکرد قرآن نه کاملاً مبتنی بر رویکرد کل نگرانه بوده که حل مسئله زن را منوط به تغییر کلی ساختار جامعه و از بین رفتن و خرد شدن سیستم قبلی کند و نه رویکردی جزئی نگرانه که فقط به این مسئله - فارغ از سایر مسائل و بدون توجه به تغییر در ساختارهای کلی - توجه نماید. بلکه قرآن در حل مسائل و موضوعات در ضمن اصلاح بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دست به سیاست‌گذاری گسترده در این مسئله در سه حوزه بینش، گرایش و رفتار زده است.

یکی از تفاوت‌های اساسی حل مسئله زن در مکتب اسلام با غرب این است که حل مسئله زن در غرب توسط خود زن‌ها و طی جنبش‌های اعتراضی پیگیری شد؛ اما اسلام بدون اینکه این پدیده تبدیل به مسئله روز شده باشد یا مورد درخواست قرار گرفته باشد با قوه عاقله خود وارد حل این مسئله شد. تفاوت دیگر این دو در استفاده از منبع بودن وحی و روش خالق در مدیریت این مسئله در مقابل احساس بی‌نیازی و بی‌توجهی غرب به منبع وحیانی بوده است. هرچند خود منابع معرفتی وحیانی در غرب - برگرفته از تعالیم یهود و مسیحیت - که آلوده به برخی از تحریفات شده است از عوامل پیچیده‌تر شدن و بحرانی شدن مسئله زن در غرب بوده است.

۶. روش‌های حل مسئله قرآن در مسئله زن

اسلام ضمن توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در استعدادها و ابعاد عاطفی و جسمی و روحی و جایگاه و نقش هرکدام در نظام هستی و جامعه و توجه به نیازهای غریزی زن و مرد، با وجود اینکه مسئله جنسیت را از برجستگی روانی انداخت، دست به سیاست‌گذاری اجتماعی در فرایندی منطقی در بستر نزول تدریجی و تنزیلی آیات قرآن زد. بخشی از این فرایند در عین اختصار تبیین می‌شود.

۱. مبارزه با فرهنگ غیرانسانی دخترکشی به‌عنوان اولین گام در حل مسئله ظلم به زن بوده است: «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر نزول ۷: ۹-۸) بسیاری از مفسران این آیه را مربوط به سنت جاهلی زنده‌به‌گور کردن دختران دانسته‌اند (القمی، ۱۳۶۳، ۲: ۴۰۷؛ طبری،

۱۴۱۲، ۳۰: ۴۶) حساسیت فوق‌العاده و توجه خاص قرآن به این مسئله در ابتدای نزول وحی_ در سوره تکویر که هفتمین سوره در سیر نزول قرآن است- و پرداختن به آن با ادبیاتی خاص و پیش از بسیاری از موضوعات اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی، نشان از اهتمام فوق‌العاده قرآن در ریشه کردن این عمل زشت و تغییر بینشی نسبت به مسئله زن دارد.

۲. در سوره کوثر که پانزدهمین سوره در سیر نزول است به کوثر اشاره شده و به پیامبر خاتم امر شده است که به شکرانه اعطای کوثر به او، نماز بگذارد و قربانی نماید. باینکه برای کوثر مصادیقی ذکر شده اما بسیاری از مفسران، کوثر را به معنای خیر کثیر (فراء، ۱۹۸۰م، ۳: ۲۹۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ۶: ۵۶۹) و برخی نیز مصداق عینی آن را امتداد نسل پیامبر دانسته‌اند که تنها از طریق دخترشان بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۸۳۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۳۲: ۳۱۳) در واقع این سوره، یکی از اعتقادات غلط فرهنگ جاهلی که معتقد بود نسل انسان، تنها از طریق فرزند پسر امتداد پیدا می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۶: ۴۰۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۳۰: ۵۰۵) را ریشه کن کرد. پرداختن به این موضوع در همان ابتدای نزول قرآن گامی در جهت تغییر بینش نسبت به تحقیر جایگاه و شخصیت زن و دختران بوده است.

۳. ذکر داستان و نمونه‌های از زنان شایسته و موفق در حل مسائل و گذر از بحران‌های بزرگ سیاسی اجتماعی اخلاقی... مانند بلقیس، زنی که در مقام پادشاهی علی‌رغم توصیه مشاوران به جنگ (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳: ۳۶۴) در مواجهه با حضرت سلیمان به خوبی از جنگ و خونریزی جلوگیری کرد (سوره نمل نزول ۴۸: ۲۰-۴۴) دختران شعیب (قصص نزول ۴۹: ۲۳-۲۸) داستان پرفرازونشیب مادر و خواهر حضرت موسی در کنترل و مدیریت بحران پیش آمده توسط فرعون (قصص نزول ۴۹: ۷-۱۳) داستان حضرت مریم و گذر از اتفاقات سخت و شرایط پیچیده و طاقت‌فرسایی که برای یک زن جوان به وجود می‌آید (سوره مریم نزول ۴۴: ۱۶-۲۹) و تکرار آن در چند سوره: (انبیاء نزول ۷۳، مؤمنون نزول ۷۴، آل عمران، نزول ۸۹) و معرفی او و یکی از دیگر زنان به نام آسیه همسر فرعون به عنوان الگویی برای همه مؤمنان: (تحریم نزول ۱۰۸: ۱۱-۱۲). ذکر داستان همسر فرعون حاوی این پیام به جامعه زنان است که زن می‌تواند همسری همچون طاغوت زمان داشته باشد ولی در عین خفقان و استبداد حاکم بر جامعه و خانه دارای شخصیت ایمانی مستقلی نیز باشد.

بیان این داستان‌ها و بنیان‌گذاری نگاهی نو به شخصیت و تعریف و جایگاه زن در گستره زندگی با ذکر نقش زنان در مدیریت بحران‌ها و حل مسائل مختلف جامعه و معرفی برخی از آنان به عنوان الگویی برای همه مؤمنان به خوبی گویای اعتماد قرآن به این قشر و بالا بردن

اعتماد به نفس آنان است. نکته قابل توجه این است که عمده این داستان‌ها در سوره‌های مکی بوده است که نشانگر تلاش قرآن در ابتدای مدیریت تغییر و تحول خود برای تغییر در بینش نسبت به جایگاه زنان در تحولات جامعه و ایجاد انگیزش برای جامعه زنان در اعتماد به نفس نسبت به ایفای نقش مثبت در حوزه‌های مختلف جامعه انسانی است.

۴. انجام برنامه‌های تربیتی و اخلاقی زنان در کنار مردان: برخلاف برخی از دیدگاه‌های حتی به ظاهر دینی که برای عبادت زنان هیچ جایگاهی قائل نبوده و او را یک موجود پلید و از عمل شیطان می‌دانستند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۷۳) قرآن برای رشد و تعالی روحی و معنوی زنان در کنار مردان برنامه‌های تربیتی و اخلاقی و عبادی قرار داده است. در بسیاری از آیات هیچ تفاوتی بین عمل عبادی و اخلاقی زنان و مردان نگذاشته و مزده رسیدن به حیات طیبه را به هر دو داده و تحقق صفات ایمانی و اخلاقی را برای مردان و زنان به رسمیت شناخته است (غافر، ۴۰؛ نحل، ۹۷؛ احزاب، ۳۵). این در حالی است که بیشتر غیر موحدین و اهل کتاب از یهود و نصاری، زنان را از بسیاری از مزایای دینی محروم می‌دانستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۳۴۱) در این مرحله قرآن دست به تولید رفتارهای مؤمنانه برای زنان در کنار مردان نمود.

۵. از بین بردن سنت‌های غلط جاهلی مربوط به ازدواج و طلاق و ارث و... و اصلاح آن‌ها و تغییر جهت و تنظیم مقررات مربوط به آن‌ها همچون سنت غلطظهار (مجادله، ۴-۱) و حق زن در تصمیم برای ازدواج (بقره، ۲۳۲) مسئله جنسی موقع حیض (بقره، ۲۲۲) مهریه (نساء، ۴) حق نفقه و تأمین مالی (نساء، ۳۴) دفاع از آبرو و حیثیت اخلاقی زنان پاک‌دامن (نور ۵-۴) و...

قرآن در فرایندی منطقی نخست مؤمنون را به روابط جنسی مشروع و قانونی ستوده و تشویق نمود (مؤمنون نزول ۵: ۷۴؛ معارج نزول ۷۹: ۲۹) سپس روابط در کادر خانواده را رنگ قداست بخشید و دخالت پروردگار در ایجاد مودت و رحمت بین زن و مرد را گوشزد نمود (روم نزول ۸۴: ۲۱) شرط ازدواج با بیش از یک زن را عدالت مرد قرار داده (نساء: ۳) سپس در سوره‌های مدنی به مسائل حقوقی و مالی و... پرداخته است. در قرآن یک سوره به نام زنان نام‌گذاری شده و در چند سوره به صورت گسترده بسیاری از مسائل حقوقی، مالی، عاطفی، خانوادگی، مربوط به زنان مطرح و چارچوبی برای آن تعیین شده است (روم، بقره، نساء، طلاق، ممتحنه، احزاب، نور) مسائلی که در برگیراننده نظام عاطفی نظام مالی (مهریه، ارث، نفقه) نظام جدایی و طلاق نظام روابط با همسر و فرزندان _ حتی مسئله شیر دادن (بقره، ۲۳۳) _ و دیگران نظام پیوند زناشویی و ازدواج و... است.

در این مرحله برای رفع اضطراب زنان، به فراوانی مردان را به رعایت حقوق زنان در شرایطی چون ایلاء، طلاق، فوت، رضاع و نظایر آن توصیه کرد (سوره بقره نزول ۸۷) و هسته اولیه تشکیل خانواده را در چارچوب ایمان همسران قرارداد (بقره نزول ۸۷) به دفاع از زنان در مقابل چشم‌ها و زبان‌ها و اقدامات مردان هیز و فاسق پرداخت و برای نشان دادن وابستگی زنان و حمایت حکومت اسلامی از ایشان، دستور پوشش اسلامی را صادر کرد (احزاب نزول ۹۰) از زنانی که از مناطق مشرکان و همسران مشرکشان فرار کرده و به مدینه می‌آمدند، حمایت کرد و دستور داد تا مهریه ایشان را به شوهران مشرکشان داده و ایشان را از بند زندگی خانوادگی با مشرکان رها کنند (ممتحنه نزول ۹۱) عدالت اقتصادی در باب ارث زنان و استقلال مالی و اقتصادی زنان را اعلام کرده، مردان را مسئول تشکیل خانواده کرد و آن‌ها را متعهد به تأمین هزینه‌های ایشان نمود (نساء نزول ۹۲).

۶. استقلال مالی زن: قرآن استقلال مالی و اقتصادی زن را به رسمیت شناخته و برای آن نیز قواعدی قرار داده است. زن در عین اینکه حق کسب درآمد و ثروت دارد ولی در امور اقتصادی منزل و وظیفه‌ای به عهده ندارد و وظیفه تأمین مخارج و احتیاجاتش _حق مسکن، حق پوشاک، حق خوراک، پول شیر دادن به فرزند و..._ حتی باوجود استغنائی مالی به عهده شوهر است: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء، ۳۲) اکتساب که به معنی تحصیل کردن و به دست آوردن است، مفهوم وسیعی دارد، هم کوشش‌های اختیاری را شامل می‌شود و هم آنچه را که انسان به‌وسیله ساختمان طبیعی خود می‌تواند به دست بیاورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳: ۳۶۴).

اسلام مردان را مسئول تشکیل خانواده دانست و مسئولیت تأمین بودجه خانواده را از دوش زن برداشته تا او در کمال آرامش و بی‌دغدغه به امور شخصی، اجتماعی، سیاسی تربیت فرزندان و امور خانواده بپردازد. در نگاه دینی زنان مسئول امور خشن و درگیر مسائلی چون جهاد نظامی نیستند. زن، نه پهلوانی است که باید در زیر مشکلات زندگی کمر خم کند بلکه چنان گلی است که باید ظرافت‌های خاص او در تعاملات با وی لحاظ شود. (شهیدی، ۱۳۷۸، نامه ۳۱: ۳۰۷) در ازدواج مردها زیر بار انبوهی از تعهدات همچون نفقه و... نسبت به زن رفته و مسئولیت اداره خانواده را بر عهده می‌گیرند. استقلالی که زن در اسلام در دارایی خود دارد در حقوق یونان و روم و ژاپن و تا چندی پیش در حقوق غالب کشورها وجود نداشته، یعنی زن مثل صغیر و مجنون، محجور و از تصرف در اموال خود ممنوع بوده است. در انگلستان در سال ۱۸۷۰ و ۱۸۸۲ میلادی به اسم قانون مالکیت زن شوهردار و ایتالیا در ۱۹۱۹ م از زن رفع حجر نمود. در سال ۱۹۰۰ م در

قانون مدنی آلمان و در ۱۹۰۷ م در قانون مدنی سوئیس، زن مانند شوهر خود دارای اهلیت شد. (مطهری به نقل از شایگان در شرح حقوق مدنی، ۱۳۷۹، ۱۹: ۲۱۴) در حالی که قرآن این استقلال مالی را ۱۳ قرن قبل بدون اینکه بر عهده زن، مسئولیت تأمین مخارج زندگی را بگذارد و او را از کانون گرم خانواده دور کند به او اعطا کرده است.

۷. یکی دیگر از اقدامات اساسی قرآن در حل مسئله، مشارکت دادن زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و دخالت در جریان اصلاح جامعه در کنار مردان (توبه، ۷۱) است. قرآن زمینه استقلال زن در بیعت و انتخاب رهبری او را به رسمیت شناخته، او را در این امور تابع مرد نمی‌داند، بلکه او حق دارد و باید خودش رهبری جامعه و ولی شرعی خود در حاکمیت را در کمال انتخاب و آزادی بدون دخالت شوهر و نزدیکان خود انتخاب نماید، ضرورت حضور زنان در عرصه سیاسی بر اساس وظیفه و تشخیص خود زن در برقراری حکومت خدا و مقابله با نیروهای شرک در بیش از ۱۴ قرن پیش در دورانی که زنان در جهان، کمترین نقش سیاسی در اداره و مشارکت سیاسی، اجتماعی جامعه داشته‌اند از نکات مهم و قابل توجه است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۱۵: ۳۲۶).

همچنان که در نگاه قرآن (توبه، ۷۱) مؤمنان اعم از مرد و زن در پاک‌سازی جامعه اسلامی و ایجاد محیط توحیدی بر یکدیگر ولایت دارند و زن و مرد مؤمن هر دو در اصلاح جامعه نقش ایفا می‌کنند (قرشی، ۱۳۷۵، ۴: ۲۷۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۸: ۲۵۳)

۷. نتیجه‌گیری

روش‌های متنوعی برای حل مسئله اجتماعی در علوم انسانی تولید شده است. یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع اجتماعی، نقش و جایگاه زنان در جامعه بوده است. مسئله تحقیر و ظلم به زن مسئله‌ای بود که در این تحقیق به دنبال بررسی تطبیقی دو روش حل مسئله غربی و اسلامی با محوریت قرآن بوده‌ایم. غربی‌ها با تکیه بر پارادایم خاص خود و مبانی انسان‌شناسی و جهان‌بینی خود برای حل مسئله ظلم تاریخی به زن به سراغ روش‌هایی رفته‌اند که از عمده‌ترین آن‌ها رویکرد فمینیسمی بوده است. غرب با وجود پیچیدگی‌های فراوان این موضوع مهم، با رویکردی جزء نگرانه و بدون توجه به ساختارهای بازتولید کننده این مشکل، راه حل به رسمیت شناختن تساوی در استعدادها و حقوق، استقلال مالی و شرکت آنان در اقتصاد جامعه و اعطای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به زنان را در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی پیش گرفته است.

قرآن برای حل این مسئله مهم و اساسی ضمن توجه به پیچیدگی مسئله به ساختارهای بازتولید کننده این مسائل نیز توجه نمود و برای تغییر ساختارهای ذهنی و عینی جامعه تلاش کرد. با بررسی روش قرآن به این نتیجه می‌رسیم که رویکرد قرآن نه کاملاً مبتنی بر رویکرد کل نگرانه بوده که حل مسئله زن را منوط به تغییر کلی ساختار جامعه و از بین رفتن و خرد شدن سیستم قبلی کند و نه رویکردی جزئی نگرانه که فقط به این مسئله _ فارغ از سایر مسائل و بدون توجه به تغییر در ساختارهای کلی _ توجه نماید. بلکه قرآن در حل مسائل و موضوعات در ضمن اصلاح بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، ضمن توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در استعدادها و ابعاد عاطفی و جسمی و روحی و جایگاه و نقش هرکدام در نظام هستی و جامعه و توجه به نیازهای گریزی زن و مرد، با وجود اینکه مسئله جنسیت را از برجستگی روانی انداخت و نگاه به تعریف و جایگاه زن را از مسئله‌ای صرفاً جنسی تغییر داده و به او نقش‌های فعالی در ساختار خانواده و جامعه داد، ساختارهای بازتولید کننده مسئله را اصلاح و در فرایندی منطقی در بستر نزول تدریجی و تنزلی آیات قرآن دست به سیاست‌گذاری گسترده در سه حوزه بینش، گرایش و رفتار زده است. اسلام برخلاف فمینیسم، روابط همسران را در چارچوب مودت و رحمت هماهنگ کرد، با پذیرش قدرت بدنی مردان جلوی ستم ایشان به زنان را گرفت و با وضع قوانین اخلاقی و قانونی یاری‌گر زنان شد. قرآن در یک فرایند منظم و منطقی، بعد از اصلاح نگاه بینشی و تغییر فرهنگ زشت جاهلیت به زن، ابتدا و در سوره‌های مکی به مبارزه با فرهنگ غیرانسانی دخترکشی اقدام نموده، سپس به یکی دیگر از اعتقادات غلط فرهنگ جاهلی _ که معتقد بود امتداد نسل انسان، تنها از طرق فرزند پسر است _ پرداخته و در مرحله بعد با ذکر داستان و نمونه‌های از زنان موفق در حل مسائل و گذر از بحران‌های بزرگ سیاسی اجتماعی اخلاقی، به ایجاد و تقویت انگیزش در ایفای نقش‌های مهم اجتماعی و توانایی حل مسائل و چالش‌ها دست‌زده است. همچنین بیان برنامه‌های تربیتی و اخلاقی زنان در کنار مردان از روش‌های تولید رفتار مؤمنانه در این مسئله بوده است. می‌توان نمود این چهار روش را بیشتر در آیات مکی مشاهده کرد. بعد از بسترسازی مناسب در تغییر بینشی و ایجاد انگیزش و ساخت رفتارهای متناسب با جایگاه زن در سوره‌های مکی، از بین بردن سنت‌های غلط جاهلی مربوط به ازدواج و طلاق و ارث و... ساخت نظام خانواده در ابعاد مختلف آن، مسئله استقلال مالی زن و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز در فرایندی منطقی در سوره‌های مدنی، پیگیری و نهادینه‌شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، (۱۳۷۶)، ترجمه شهیدی جعفر، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱- اباذری یوسف، (۱۳۸۲)، «حل مسئله»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، ص ۳۱۸-۳۰۳.

۲- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.

۳- ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ ق)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.

۴- افلاطون، (۱۳۵۳)، کتاب جمهوری، چاپ اول، تهران، چاپ خوشه.

۵- ایمان، محمد تقی، (۱۳۹۲)، روش شناسی علوم انسانی نزد دانشمندان مسلمان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۶- بابایی، علی اکبر، (۱۳۸۵)، مکاتب تفسیری، جلد اول، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۷- بستان نجفی، حسین، (۱۳۹۲)، گامی به سمت علم دینی (۲) روش بهره گیری از متون دینی در علوم اجتماعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۸- بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۲)، تفسیر تنزیلی مبانی، اصول، قواعد و فواید، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۹- بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۰)، همگام با وحی، قم، تمهید.

۱۰- چراغی کوتیانی اسماعیل، (۱۳۹۳)، خانواده اسلام و فمینیسم تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی.

۱۱- حاجی پور ابوطالب، (۱۳۹۷)، روش های مقابله قرآن با فرهنگ جاهلی، قم، سنابل.

۱۲- حاتمی محمدرضا، (۱۳۹۹)، «رویکرد حل مسئله در گستره قرآن پژوهی»، دو فصلنامه روش شناسی تفسیر قرآن، شماره ۱، صص ۱۳۴-۱۲۴.

۱۳- حسینی سید ابراهیم، (۱۳۹۲)، نقش تاریخی زن از دیدگاه قرآن، تهران، کانون اندیشه جوان.

۱۴- خسرو پناه عبدالحسین، (۱۳۹۴)، روش شناسی علوم اجتماعی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

۱۵- خسرو پناه، عبدالحسین و همکاران، (۱۳۹۳)، در جستجوی علوم انسانی اسلامی، قم، معارف.

۱۶- دوران ویل، (۱۳۹۲)، تاریخ تمدن، مترجم حسین کامیاب، امین علیزاده، لیلیا زارع، تهران، بهنود.

۱۷- دوران ویل، (۱۳۸۰)، لذات فلسفه، مترجم عباس زریاب خوئی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۸- دهخدا علی اکبر، (۱۳۹۰)، فرهنگ متوسط دهخدا، با نظارت سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۷۸)، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.

۲۰- رضایی اصفهانی محمدعلی، ۱۳۸۹، منطق تفسیر قرآن ۳، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی

- ۲۱- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- ۲۲- روزنبرگ، مارشال، (۱۳۹۷)، *قلب تغییر اجتماعی*، ترجمه: کامران رحیمیان، کیوان رحیمیان، تهران، اختران.
- ۲۳- رین استوارت، (۱۳۸۷)، *تأثیر فمینیسم بر فرزندان*، ترجمه کتابیون رجبی راد، تهران، دفتر نشر معارف.
- ۲۴- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- ۲۵- شاکر محمدکاظم، (۱۳۸۲)، *مبانی و روش های تفسیری*، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۲۶- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۷- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*، اردن، دار الكتاب الثقافی.
- ۲۸- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، بیروت، دار المعرفة.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- ۳۰- عمید زنجانی عباسعلی، (۱۳۷۳)، *مبانی و روش های تفسیر قرآن*، چاپ سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۱- فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن (فراء)*، قاهره، هیئة المصریة العامة للكتاب.
- ۳۲- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۳۳- قوام دوست، جعفر و همکاران، (۱۴۰۰)، *حل مسئله اجتماعی*، تهران، طرح نقد.
- ۳۴- قمی علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، *تفسیر القمی*، محقق موسوی جزایری، قم، دارالکتب.
- ۳۵- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۵)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
- ۳۶- کلاین، آلن آر، (۱۳۸۷)، *عریان کردن فمینیسم*، مترجم طاهره توکلی، قم، دفتر نشر معارف.
- ۳۷- لوی، آریل، (۱۳۸۸)، *تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب*، قم، دفتر نشر معارف.
- ۳۸- مدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹ ق)، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
- ۳۹- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، (۱۳۹۴)، *فرهنگ نامه علوم اسلامی*، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۴۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ۴۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۳)، *زن در تفسیر نمونه*، تنظیم، سعید داودی، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب.
- ۴۲- مطهری مرتضی، (۱۳۷۹)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، قم، نشر صدرا.

REFERENCES

* The Holy Qur'an.

* Nahj al-Balagha, (1376), translated by Shahidi, Ja'far, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.

1. Abazari Yousof, (1382), "Problem Solving", Social Sciences Journal, No. 21, pp. 318-303.

2. Alousi, Mahmoud bin Abdullah, (1415 A.H.), Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem wa Al-Sab' al-Mathani, Beirut, Dar al-Kitab Al-Alamiya, Muhammad Ali Beydoun's Publications.

3. Ibn Ashur, Muhammad Tahir, (1420 AH), Tafsir al-Tahrir wa al-Tanvir known as Ibn Ashur's Tafsir, Beirut, Al-Tarikh Al-Arabi Institue.

4. Plato, (1353), The Republic, first edition, Tehran, Khusheh printing house.

5. Iman, Mohammad Taqi, (1392), Methodology of humanities among Muslim scholars, Qom, Seminary and University Research Center.

6. Babaei, Ali Akbar, (1385), Tafsir Schools, Vol. 1, second edition, Qom, Seminary and University Research Center.

7. Bostan Najafi, Hossein, (1392), A step towards religious science (2) The method of using religious texts in social sciences, Qom, Seminary and University Research Center.

8. Behjatpour, Abdul Karim, (1392), Tanzili Interpretation; the basics, principles, rules and benefits, first edition, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization.

9. Behjatpour, Abdul Karim, (1390), Hamgam ba Vahy, Qom, Tamhid.

10. Cheraghi Kootiani Ismail, (1393), Islamic Family and Feminism, explaining the approach of Islam and Feminism to the Functions of the Family, Qom, Imam Khomeini Institute Publications.

11. Hajipour Abu Talib, (1390), Methods of the Qur'an in Confronting the Jahili Culture, Qom, Sanabil.

12. Hatami Mohammad Reza, (1399), "Problem Solving Approach in the Field of Qur'anic Studies", two Quarterly Journals of Methodology of Qur'an Interpretation, No. 1, pp. 124-134.

13. Hosseini Seyyed Ebrahim, (1392), The historical role of women from the perspective of the Qur'an, Tehran, Andisheh Javan Center.

14. Khosro Panah Abdul Hossein, (1394), Methodology of Social Sciences, Tehran, Iran Research Institute of Wisdom and Philosophy.

15. Khosrow Panah, Abdul Hossein et al., (1393), In search of Islamic humanities, Qom, Ma'arif.

16. Durant Will, (1392), History of Civilization, translated by Hossein Kamyab, Amin Alizadeh, Leila Zarei, Tehran, Behnoud.

17. Durant Will, (1380), The Pleasures of Philosophy, translated by: Abbas Zaryab Khoi, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.

18. Dekhoda Ali Akbar, (1390), Farhang Dekhoda (Summary), under the supervision

- of Seyyed Jafar Shahidi, Tehran, Tehran University Press.
19. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1378), Tafsir Qur'an Mehr, Qom, Researches on Tafsir and Sciences of the Qur'an.
 20. Rezaei Esfahani Mohammad Ali, (1389), Logic of Qur'an Interpretation (3), Qom, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center
 21. Zamakhshari, Mahmud bin Umar, (1407 AH), Al-Kashshaf an Haqaiq Gawamid al-Tanzil wa Uyoun al-Aqawil fi Wojouh al-Tawil, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.
 22. Rosenberg, Marshall, (1397), The Heart of Social Change, translated by: Kamran Rahimian, Keivan Rahimian, Tehran, Akhtaran.
 23. Rain Stewart, (1387), the impact of feminism on children, translated by Katayoun Rajabi Rad, Tehran, Ma'arif publishing house.
 24. Suyouti, Abdurrahman bin Abi Bakr, (1404 A.H.), Al-Dur al-Manthour fi'l Tafsir bi'l Mathur, Qom, Public Library of Hazrat Ayatollah Al-Uzma Marashi Najafi (R.H.).
 25. Shakir Mohammad Kazem, (1382), Principles and methods of interpretation, first edition, Qom, World Center for Islamic Sciences Publications.
 26. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1390), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Lebanon, Al-A'lami Publications Center.
 27. Tabarani, Suleiman bin Ahmad, (2008), Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Qur'an al-Azim (Al-Tabarani), Jordan, Dar al-Kitab al-Thaqafi.
 28. Tabari, Muhammad bin Jarir, (1412 AH), Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Tabari), Beirut, Dar al-Marifah.
 29. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372), Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Naser Khosro.
 30. Amid Zanjani Abbas Ali, (1373), Basics and Methods of Qur'an Interpretation, Third Edition, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance Printing and Publishing Organization.
 31. Farra, Yahya bin Ziyad, (1980), Ma'ani al-Qur'an (Farra'), Cairo, Al-Hey'ah al-Masriyyah al-Ammah li'l Kitab.
 32. Fakhr al-Razi, Muhammad Ibn Omar, (1420 AH), al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb), Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
 33. Qavvam Doost, Jafar et al., (1400), Solving Social Problems, Tehran, Tarh Naghd.
 34. Qommi Ali bin Ibrahim, (1363), Tafsir al-Qommi, research: Mousavi Jazayeri, Qom, Dar al-Kutub.
 35. Qorashi Bonabi, Ali Akbar, (1375), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran, Bi'that Foundation, Publishing Center.
 36. Klein, Alan R., (1387), Uncovering Feminism, translated by: Tahirah Tawakkoli, Qom, Ma'arif Publishing House.
 37. Levy, Ariel, (1388), The Effect of Feminism on Girls in the West, Qom, Ma'arif publishing house.
 38. Modarresi, Mohammad Taqi, (1419 AH), Min Huda al-Qur'an, Tehran, Dar Mohibbi al-Hussein.

39. Center for Islamic Information and Documents, (1396), Dictionary of Islamic Sciences, first edition, Qom, Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
40. Makarem Shirazi, Naser, (1371), Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar Al-Kutub al-Islamiyyah.
41. Makarem Shirazi, Naser, (1393), Woman in Tafsir Nomooneh, edited by Saeed Davoudi, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib Publications.
42. Motahari Morteza, (1379), Collection of Works, Qom, Sadra Publishing.